

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

آزاد ل.

۲۱ نومبر ۲۰۱۲

توضیحاتی پیرامون خر

نوشته قبلی اینجانب زیر عنوان "خر و الاغ های تیوریسن" مؤرخه دهم اکتوبر منتشره در همین سایت آزادگان از جوانب مختلف توسط هموطنان شریف مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و خوشحالم ساخت از این که استاد گرانمایه و دانشمند محترم دیپلوم انجنیر "معروفی صاحب" و مبارز با شهامت آقای "پغمانی" در نوشته های شان نکاتی را هم تبارز داده اند. قبل از این که در این باره چیزی بنویسم می خواهم عرض بدارم از هموطنانی که وقت می گذارند و نوشته های اینجانب را با بزرگواری خود قابل نقد و یا تبصره می دانند ابراز سپاس دارم. اگر گستاخی و زبان درازی در مقابل ارباب دانش تلقی نگردد کمی توضیح می دهم تا اگر مورد پسند و یا قابل قبول شان هم واقع نشد اقلاً خودم را تسکین داده باشم.

در باره این که دانشمند بزرگوار "معروفی صاحب" نوشته اند که به تناسب کائنات نمی توان انسان را اشرف مخلوقات گفت. آن را قبول دارم اما فقط عرض می دارم که من در نوشته خود ادعا داشته ام که طرح موضوع به اساس ادعای عالمان دینی بوده که ادعا می دارند وجه تمایز انسان با حیوان دین است و (اکثریت مردم ما ادعا دارند که انسان اشرف مخلوقات است ...). من خواستم توضیح دهم که به هیچ وجه دین نمی تواند وجه تمایز و سرحد در شناخت انسان و حیوان باشد؟؟ و مثالهایی هم از انسانهایی که دین دارند، مسلمان اند، عربی را هم بلد اند آورده بودم. آیا آن آدم ها را با آن همه سوابق جرم و جنایت، فحشاء و تجاوز، وطن فروشی و بی ناموسی و می توان از حیوانات (در مجموع) جدا ساخت فقط به خاطر دین شان؟؟؟ و من به اندازه فهم نا چیز خود عاجز ترین و مظلوم ترین حیوان را که عبارت از خر که به خریبت مشهور است غرض مقایسه انتخاب نمودم و حال که آن نوشته جفائی شده بر خر و حقوق آن، من در اول متوجه نبودم ورنه چنین صدمه ای را بر شرف خر وارد نمی ساختم. اما منظور من هم از خر این خری که از حقوقش دفاع می شود نبوده بلکه در نوشته ام ذکر نموده ام که (به موجودی می گویند خر چه در کالبد و جسد حیوان تولد، رشد و نمو نمایند یا در قالب آدم ...) و جایی هم نوشتم که (مقایسه این خر ها هیچ نوع ارتباطی به مقام شامخ انسانی ندارد ...) ("انسان" اشرف مخلوقات است نه هر کثافتی که به شکل انسان تولد شده باشد) چون انسان از خود مشخصات و صفات مخصوص را باید داشته باشد تا به او انسان گفت!!) و به دنبال به تناسب فهم خودم از انسان، طبیعت، جانداران معیار های شناخت خود را تحریر نمودم. این را هم متوجهم که معیار های مشخص شده من در شناخت انسان، حیوان و طبیعت و غیره همه

جانبه و کامل نبوده و قطعی هم نیست چون ساختمان مغزی، رشد و نمو اجتماعی، تأثیرات قطب های متضاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محیط زیست در جریان رشد و نمو و تکمیل کرکتر انسانی (آدمها) باهم فرق دارند فلذا برداشت هر انسان از پدیده های اجتماعی، تحولات زندگی، درک وقایع اجتماعی و طبیعی و شکل نتیجه گیری و قضاوت در باره آنها و عکس العمل های مغزی، عاطفی و فیزیکی انسان ها هم در قبال یک پدیده مشخص فرق می داشته باشد؟؟ به نظر من اینجاست که تبادل نظر و گفت و گوی سالم در باره همه چیز لازم می افتد تا با نظر داشت شرایط قبلی تاریخی همان پدیده و موقعیت فعلی آن دورنمای آن را مشخص ساخت و رسیدن به نتایج مطلوب را پیش بینی و در راه آن گام برداشت!!

دوست محترم و دانشمند گرامی هموطن شریف و با عزتم آقای "خالق داد پغمانی"!! باور کن نه این که نوشته هایم را نیش عقرب برای خود و همقطاران و همفکرانم نمی دانم بلکه کلمه به کلمه آن را به حیث مرمی های کشنده در روح و روان دشمنان مردم خرافات پسند و استعمار جهانی می دانم. آقای پغمانی!!

در اخیر می خواهم با زبان بیزبانی اظهار دارم که در آن نوشته (خرنامه) منظور من توهین به خر نبوده است! فقط خواسته بودم روشن سازم آنچه فکر می کردم اگر حرف من را باور نداری حاضر هستم قسم بخورم اما نمی دانم به چی؟؟ چون همه قسم های مقدس که حرف گوینده را برای شنونده قابل قبول سازد در قرآن از طرف خداوند خورده شده است مثل ثم اسپان، زیتون، ستاره شام و نمی دانم من به چه سوگند یاد کنم که حرفم را باور نمائی؟؟ خودت یگ سوگند انتخاب نما که عربی نباشد!!؟؟ که منظور من توهین به خر نبوده است!!!!

آزاد ل.